

نقش پیشگویی‌های ظهور شاه اسماعیل در مشروعیت بخشی به حکومت صفوی

سعید نجفی نژاد^۱

چکیده

درباره تشکیل حکومتی شیعی، در برخی منابع، اخباری پیشگویانه از جانب یکی از احفاد شیخ صفی‌الدین اردبیلی ذکر شده است. فارغ از انگیزه‌های پیشگویان یا ناشران آنها، این نویدها موجب استحکام پایه‌های مشروعیت و مقبولیت حکومت صفوی گردید. به دلیل اینکه اخبار غیبی غالباً مبنایی مذهبی داشته‌اند، این نوع بشارت‌ها ناخواسته تبدیل به یکی از عواملی شدند که چهره‌ای معنوی و مشروع به این حکومت بخشیده‌اند. این پژوهش، بدون اینکه قصد راستی‌آزمایی یا بررسی اعتبار تاریخی یا رجالی این روایات پیشگویانه را داشته باشد، با نگاهی تحلیلی، صرفاً تأثیر این اخبار بر جایگاه سیاسی مذهبی حکومت صفوی را بررسی می‌کند. به نظر می‌رسد اخبار ظهور شاه اسماعیل صفوی به‌عنوان احیاگر تشیع و ذکر گزارش‌هایی درباره اتصال حکومت صفوی به حکومت مهدوی، نقش مؤثری در استقبال و حمایت از شاه اسماعیل و همچنین صفویه‌گرایی مردم ایران در آن دوره و حتی ادوار پس از سقوط آنها داشته است. این تحقیق با استفاده از داده‌های کتابخانه‌ای و به روش توصیفی - تحلیلی، به بررسی این موضوع می‌پردازد.

واژگان کلیدی: حکومت صفویه، پیشگویی، شاه اسماعیل، مشروعیت بخشی.

۱. دکتری تاریخ اسلام، دانشگاه آزاد نجف‌آباد، نجف‌آباد، ایران؛ s.nagafinezhad@gmail.com.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۴/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۸/۲۸

مقدمه

پیشگویی‌های تبشیری از ظهور یک چهره انقلابی که قصد اعتلای تشیع را دارد، علاوه بر مشروعیتی که به حکومت صفویه بخشید، محبوبیت زیادی نیز برای آن به ارمغان آورد. تاریخ‌نگاران صفوی، نقشی محوری در انعکاس این نوع مطالب داشته‌اند. اکثر پیشگویی‌ها در این زمینه، اشاره به ظهور فردی از خاندان صفوی دارند که مذهب تشیع را نشر خواهد داد. برای مردم آن دوره، مشاهده قاطعیت مؤسس سلسله صفوی در ترویج تشیع و چهره کاریزماتیک او، یکی از مظاهر صحت این بشارت‌ها بوده است. با توجه به فراوانی و عمق عبارات به‌کاررفته در پیشگویی‌ها، به نظر می‌رسد نقش آنها در مشروعیت بخشی به حکومت صفویه، فراتر از اثر معمول این دست سخنان ظاهراً موهوم باشد.

بر همین اساس، این پژوهش با در نظر گرفتن جایگاه مهم و حتی بی‌نظیر این پیشگویی‌ها در تاریخ ایران اسلامی برای تحکیم حکومت صفوی، به دنبال پاسخگویی به این پرسش است که این پیشگویی‌ها چه اثری بر استحکام پایه‌های معنوی اقتدار حکومت نوپای صفویه داشته‌اند؟ به بیان دیگر، سهم پیشگویی‌ها از ظهور سلطانی باورمند به تشیع، در باورپذیری جایگاه معنوی او در جامعه ایران به چه میزان بوده است؟

برخی سؤالات فرعی نیز مطرح هستند که به وضعیت فکری و فرهنگی جامعه ایران در آن دوره مربوط می‌شوند. آگاهی از این وضعیت، کمک زیادی به درک موضوع خواهد کرد. همچنین متغیرهای مستقل و وابسته‌ای وجود دارند که از جمله آنها می‌توان به نقش خود شاه‌اسماعیل در جهت‌دهی و هدفمندسازی نتایج پیشگویی‌ها به‌عنوان متغیر مستقل و علمای عصر صفوی که با تأیید یا عدم تأیید این نوع پیشگویی‌ها در فرایند فضیلت‌سازی برای حکام صفوی می‌توانستند نقش‌آفرینی کنند به‌عنوان متغیر وابسته اشاره کرد.

با جستجو در آثار مرتبط، پژوهشی که به‌طور مستقل به این موضوع پرداخته باشد یافت نشد و بیشترین مشابهت‌های موضوعی، در آثاری دیده می‌شود که به‌صورت کلی به بررسی مشروعیت حکومت صفوی و زمینه‌های تشکیل آن پرداخته‌اند. با این حال، در برخی از آثار، به‌صورت جسته‌وگریخته و بعضاً از زوایایی بعید، اشاراتی مختصر به این موضوع شده است.

کتاب شاه اسماعیل صفوی و تغییر مذهب (بهزاد کریمی، تهران: انتشارات ققنوس، ۱۳۹۷)؛ و مقالات «نقش پیشگویی‌ها در شکل‌گیری نحله‌های فکری و جنبش‌های اجتماعی» (مصطفی صادقی کاشانی، فصلنامه مشرق موعود، شماره ۳۸، ۱۳۹۵)؛ «رؤیاهای شیخ صفی‌الدین و تاریخ نوشته‌های صفوی» (شعله کویین، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، شماره‌های ۳۷ و ۳۸، ۱۳۷۹)؛ «تشیع عرفانی و تأثیر آن بر ظهور صفویه» (جمشید جلالی شیجانی، فصلنامه شیعه‌شناسی، شماره ۶۲، ۱۳۹۷)؛ «تحلیل گفتمان مهدویت در عصر شاه اسماعیل و شاه طهماسب صفوی» (محبوبه اسماعیلی و زهت احمدی، فصلنامه پژوهشنامه تاریخ اسلام، شماره ۲۰، ۱۳۹۴) و «پیوند معنوی پادشاهان صفوی با شیخ صفی‌الدین» (مهدی دهقانی، مجله مطالعات ایرانی، شماره ۳۹، ۱۴۰۰) از جمله این آثار هستند. همان طور که از عنوان این آثار برمی‌آید، هیچ‌کدام به صورت مستقیم، ورود تخصصی به موضوع تحقیق حاضر نداشته و بیشتر به مباحثی پرداخته‌اند که ارتباط کمتری با موضوع نقش پیشگویی‌های ظهور شاه اسماعیل در مشروعیت بخشی به حکومت صفوی دارند.

زمینه‌های فکری برای ابراز پیشگویی‌ها در آستانه ظهور صفویان

پس از حمله مغول، برخی اندیشه‌ها و افکار خرافی در ایران گسترش یافت. این نوع اوهام، به شدت شکاف‌زا بودند و ظهور و بروز آنها در زمان گسست سیاسی فرهنگی افزایش یافت و ایران در آن دوره، واجد چنین شرایطی بود. سرخوردگی مردم از خرابی‌ها و از دست دادن عزیزان از یک سو و تأثیر آزادی مذهبی پدیدآمده پس از حضور مغولان در ایران^۱ از سوی دیگر، زمینه را برای رواج افکار منجی‌جویانه مهیاتر ساخته بود. ضمن اینکه نباید از تأثیر روحمات اوهام‌گرایانه خود مغولان در تشدید این روند نیز غافل شد. هرچند مورد اخیر، به لحاظ پشتوانه فرهنگی مذهبی ایرانیان نمی‌توانست نقش قابل توجهی در تغییر ذائقه معنوی مردم داشته باشد، اما فرصت طلبی برخی‌ها از این وضعیت که گاه در قالب دراویش و چهره‌های صوفی مسلک، پا به عرصه می‌نهادند، می‌توانست به طور غیرمستقیم به توسعه فضای توجه به عناصر فرابشری کمک کند.

۱. تسامح مذهبی مغولان در ادامه حضورشان در ایران رو به افول نهاد؛ چراکه اساساً این تسامح، نه به خاطر آزاداندیشی، بلکه به دلیل ناآگاهی و خالی بودن ذهن مغولان درباره ادیان الهی بوده است. به زبان ساده‌تر، مدت‌ها طول کشید تا مغولان با اسلام آشنا شوند. پس از آن، نوبت به درک مذاهب مختلف اسلامی رسید که مغولان باید نسبت به آنها شناخت کافی پیدا می‌کردند و سپس در مقابل پیروان این مذاهب واکنش نشان می‌دادند.

در مجموع انتظار می‌رفت در چنین فضایی که دولت حاکمه، با مذهب قوم مغلوب کاملاً بیگانه است، فرصت تنفسی برای مذهب تشیع که در ایران ریشه‌دار بوده، اما به دلیل به قدرت رسیدن حکومت‌های سنی مذهب در حاشیه قرار گرفته است، ایجاد شود. این فرصت برای تشیع ایجاد شد اما هم‌زمانی آن با گسترش افکار صوفیانه در ایران، موجب همگرایی تصوف و تشیع گردید. یکی از جلوه‌های جانبی صوفی‌گری و عرفان، تمایل به سمت امور ماورایی است که ذکر اخبار غیبی و خبردهی از آینده، از اشکال آن بود. در آستانه به قدرت رسیدن شاه اسماعیل، دامنه این پیشگویی‌ها گسترش یافت.

پیشگویی‌ها در دوره صفویه، ابعادی مذهبی - سیاسی داشت که برپایی یک تئوکراسی^۱ را نوید می‌داد. تئوکراسی با شعار رسمیت بخشی به مذهب تشیع اثناعشری، که قرن‌ها در پس پرده مانده بود، استقرار یافت. غیر از آثار تاریخ‌نگارانه این دوره، در دیگر آثار از جمله رسائلی که از سوی علما و سایرین به نگارش درآمده و همچنین برخی کتاب‌ها با موضوعات مختلف نیز اخباری غیبی در این زمینه ذکر شده است (ناجی، ۱۳۸۷، ص ۱۷؛ جعفریان، ۱۳۹۱، ص ۱۷۱ - ۱۷۳ و ۱۳۷۸، ص ۱۲).

۱. مشروعیت‌آفرینی بر اساس روایات منسوب به اهل بیت علیهم‌السلام

یکی از عواملی که موجب شد شاه اسماعیل بدون مواجهه با مشکلات داخلی بزرگ در زمینه پذیرش توده مردم، حکومتی یکپارچه به لحاظ مذهبی و ارضی را مستقر کند که تا ۲۳۵ سال نیز پایا باشد، مشروعیت آن در انظار ایرانیان بر پایه روایات منسوب به معصومان علیهم‌السلام و آوازه مذهبی نیکوی نیاکان شاه اسماعیل بوده است. صرف ذکر اخبار پیشگویانه از اهل بیت علیهم‌السلام درباره ظهور شاه اسماعیل، مهر تأییدی بر مشروعیت حکومت او به شمار می‌آمد. هرچند این مهر تأیید به تنهایی نمی‌توانست مشروعیت و مقبولیت این حکومت را در جامعه تضمین کند؛ با این حال می‌توان گفت در آن دوره، یکی از موارد تأثیرگذار در اذهان مردم برای پذیرش حکومت صفویان بوده است.

در منابع دوره صفوی، روایاتی منسوب به معصومان علیهم‌السلام وجود دارند که هم‌اکنون پذیرش

۱. حکومت دینی. حکومتی است که اساس و پایه آن، بر اساس دین غالب جامعه بنا شده است.

تطبیق آنها با تشکیل حکومت از سوی شاه اسماعیل دشوار به نظر می‌رسد. اما واقعیت این است که این روایات، همراه با قرائن دیگر، به اثبات مشروعیت حکومت صفویه در آن دوران پرآشوب پرداخته است. از جمله این نوع روایات می‌توان به روایت قاضی احمد قمی از قول سید مرتضی درباره خروج شاه اسماعیل از اردبیل اشاره کرد:

مروی است از حضرت سید المحققین سید مرتضی علم الهدی علیه الرحمه که گفت: حضرت شاه اولیا علی مرتضی علیه السلام فرموده اند: «ان لنا كَنزَ بَاردِیَل لا من ذَهَب ولا من فَضَه بَل من أَصْلابِ الرِّجالِ فی ارحامِ النِّساءِ اِسْمُهُ نَبِیُّ الحِجَالِ خَوْفاً وَرُعباً صَاحِبُ العِصَابِ الحَمْرِ اِذَا ارَايْتُموه فَاتَوهُ وَانصُرُوهُ وَلو حَطَّوا عَلی الثَّلَجِ؛ برای ما گنجی در اردبیل است نه از جنس طلا و نه نقره، بلکه از صلب مردانی در رحم زنان. او هم‌نام پیامبری است که در کوه‌ها ساکن بوده است. از سربند سرخ او می‌ترسند. اگر او را دیدید، نزد او بروید و از او حمایت کنید، حتی اگر روی برف فرود آید» (قاضی احمد قمی، ۱۳۵۹، ج ۱، ص ۱۱).^۱

در رساله‌ای که نگارش آن مربوط به دوره صفوی است،^۲ روایات متعددی، با ظهور شاه اسماعیل مطابقت داده شده‌اند. همچنین از برخی آثار، مانند کتاب‌های الغیبه شیخ طوسی، خرائج و جرائح قطب‌الدین راوندی و الغیبه نعمانی، احادیثی استخراج گردیده که همگی بر تشکیل حکومت صفویان توسط شاه اسماعیل انطباق داده شده است (جعفریان، ۱۳۹۱، ص ۱۷۱-۱۷۳). رساله دیگری از یکی از علمای دوره شاه سلطان حسین به نام محمد یوسف ناجی در دست است که این رساله به لحاظ ایجاد ارتباط میان برخی از روایات منسوب به اهل بیت علیهم السلام و سلاطین صفویه، به عنوان مصداق برخی این روایات پیشگویانه، کمتر دارای نمونه مشابه است (ناجی، ۱۳۸۷، ص ۱۷).

علاوه بر اینها، یکی از مهم‌ترین و پرکاربردترین احادیث در تاریخ‌نگاری صفوی، حدیث

۱. عبدی بیگ شیرازی در کتاب تکمله الاخبار این روایت را با اندک تفاوتی، در مورد شهر طالقان نقل می‌کند: «حضرت رسالت پناه علیه السلام فرموده: ان لنا كنزاً في طالقان لا بذهب ولا فضة بل اثني عشر الف رجل يقودهم شاب من بني هاشم على بغله شهباء على رأسه عصا به حمراء كاني انظر اليه لعبر الفرات شعارهم الله الله الله. فاذا اظهر فسارعوا اليه ولو وجبوا على السلاح» (عبدی بیگ، ۱۳۶۹، ص ۳۴). همین تفاوت در روایات، خود می‌تواند دلیلی بر ضعیف بودن سند و اصل روایت باشد.

۲. طبق نظر رسول جعفریان، ممکن است مؤلف رساله، «محمد اشرف بن عبدالحسین» نواده میرداماد باشد. این رساله به شماره ۵۸۹۴ در دانشگاه تهران موجود است.

«لکل اناس دولت و دولتنا فی آخر الزمان» است که تاریخ‌نگاران صفوی، مراد از آن را حکومت صفوی دانسته و تبلیغات زیادی بر پایه آن انجام داده‌اند. بر اساس این حدیث، تسخیر سریع سرزمین‌ها توسط شاه اسماعیل، نتیجه تأیید این حکومت از طرف ائمه علیهم‌السلام قلمداد شده است:

«چون خاقان سکندر شأن مظهري بود از آثار دودمان مرتضوی و به مؤدای حقیقت انتمای «لکل اناس دولت و دولتنا فی آخر الزمان» در اندک زمانی اجرای مذهب حق نموده رفع بدع فرمودند و مترصد آن می‌بودند که تمامی ربع مسکون را تسخیر نموده در جمع اقطار مذهب ائمه اطهار علیهم‌السلام را انتشار دهند» (قاضی احمد قمی، ۱۳۵۹، ج ۱، ص ۱۵۴).

ظاهراً اولین کسی که از خاندان صفوی برای اثبات حقانیت خود به این روایت استناد کرده، شاه اسماعیل بوده است. او در قسمتی از جواب نامه شیبک خان ازبک برای او نوشت: «بحمد الله چون در این ولا به موجب لکل اناس دوله و دولتنا فی آخر الزمان، از چمن دلگشای خاندان نبوت و ولایت، نهال بلند برومند وجود این جانب سر به سرفرازی کشید» (خورشاه بن قباد الحسینی، ۱۳۷۹، ص ۴۱). مؤلف تاریخ جهان آرا هم بر اساس همین حدیث «لکل اناس دوله و دولتنا فی آخر الزمان» اعتقاد دارد حکومت شاه طهماسب، به حکومت حضرت ولی عصر علیه‌السلام متصل خواهد گشت (غفاری قزوینی، ۱۳۴۳، ص ۲۸۱).

همچنین مورخان به پیشگویی دیگری از امیرالمؤمنین علیه‌السلام در مورد ظهور شاه اسماعیل و صفویان نیز اشاره کرده‌اند:

«ملک بنی عباس یسر لا عسرفیه لواجتمع علیهم التترک و الدیلم و السند و الهند و البربره و الطبرستان علی ان یزیلوا ملکهم لما قدروا و لن یزیلوه حتی یستدعیهم موالیهم و ارباب دولتهم و تسلط علیهم ملک من التترک و یأتی علیهم من حیث بدأ ملکهم لایمتر بمدینه الأفتحها و لایرفع له رایه الا نکسها الویل لمن ناواه؛ پادشاهی بنی عباس آسان شود اگر ترکان، دیلم، سند، هند، بربرها و طبرستان علیه آنها متحد می‌شدند تا پادشاهی خود را از بین ببرند، نمی‌توانند آن را بردارند و نخواهند کرد تا زمانی که بزرگان کشورشان آنها را احضار نکنند و یک پادشاه ترک بر آنها مسلط شود، آن را کنار نگذارید و او از جایی که حکومتشان آغاز شده و از شهری نخواهد گذشت مگر اینکه بیرقش برافراشته

شود. وای بر کسانی که با او مخالفت می‌کنند» (عبدی بیگ شیرازی، ۱۳۶۹، ص ۳۴).

حدیث دیگری که مرکز توجه واقع شده است آنکه ظاهراً طبق آن چنین برداشت می‌شود که پس از گذشت هر هزار سال از ظهور اسلام، خداوند آن را دوباره احیاء می‌کند و این احیاء را سهم صفویان دانسته‌اند. در این حدیث که از سوی خواندمیر نقل شده است، این پیشگویی را به ظهور صفویان منتسب کرده‌اند: «ان الله یبعث علی رأس کل مائه سنه من یجد لها دینها» (خواندمیر، ۱۳۸۰، ج ۴، ص ۴۶۷).

عبارت «سر مکتوم» نیز تعبیری است در متون تاریخ‌نگاری صفوی برای آنچه که اهل بیت علیهم‌السلام در وجود شاه اسماعیل به صورت موروثی به ودیعه نهاده‌اند. شاه اسماعیل اول مدعی بود این ودیعه از طریق اهل بیت علیهم‌السلام و پدرانش به او رسیده است. به کار بستن این عبارت به خوبی بیانگر رویکرد عده‌ای است که در این دوره، به دنبال نشان دادن حقیقتی آسمانی در وجود خاندان صفوی هستند که در زمان و مکانی مشخص به ظهور خواهد رسید. مثلاً هنگامی که اطرافیان شاه اسماعیل در ابتدای حرکت انقلابی‌اش پیشنهاد دادند قاصدانی برای دعوت از هوادارانش بفرستد، از زبان خود او نوشته‌اند: «از الهامات ملک قیوم و انعامات ائمه معصوم علیهم‌السلام چنان معلوم شده است که موعد آن است که سر مکتومی که از آباء مرحوم به ما رسیده است، بعد از این در پرده خفا نماند» (امینی هروی، ۱۳۸۳، ص ۸۷).

۲. مشروعیت‌سازی بر پایه پیشگویی بزرگان تصوف و سایر فرق مذهبی

چهره‌های برجسته صوفی در ایران پیشاصفوی، جایگاه معنوی بالایی در میان بعضی از مردم داشته‌اند. به همین دلیل، رفتار و سخنان آنها نیز اثرگذار بوده است. زمانی که یکی از بزرگان صوفیه خبری از آینده می‌دهد، این خبر باورپذیری زیادی ایجاد می‌کند؛ به طوری که می‌توانست مبنایی برای قضاوت عمومی درباره یک موضوع باشد.

سال‌ها پیش از به قدرت رسیدن شاه اسماعیل، یک پیشگویی از جانب شیخ زاهد گیلانی، استاد شیخ صفی‌الدین نقل شده است که می‌تواند موجب تحکیم پایه‌های این حکومت باشد. این پیشگویی، به سلطنت و متعاقب آن، ترویج مذهب تشیع به وسیله یکی از اخلاف شیخ صفی‌الدین اشاره نموده و با توجه به اینکه مبشری مانند شیخ زاهد آن را اعلام

کرده است، می‌توانست از اهمیت زیادی برخوردار باشد. شیخ زاهد، چنین تعبیری از خواب شیخ صفی‌الدین به عمل آورده است:

«شیخ صفی در خواب دید تاجی بر سرش نهادند و شمشیر غلاف سرخی بر کمرش بستند. بعد از اینکه شیخ صفی این خواب را برای شیخ زاهد بازگو کرد، شیخ زاهد به او گفت: مؤذنه باد تو را که از فرزندان تو، یکی پادشاه خواهد شد و مروج مذهب حق خواهد بود» (مؤلف ناشناخته، ۱۳۶۳، ص ۱۳).

علاوه بر اینها، پیشگویی‌های دیگری از این دست، در کتاب عالم‌آرای صفوی دیده می‌شود که با توجه به تعلق خاطر نویسنده آن کتاب به شخصیت شاه اسماعیل و رؤیاهای فراوانی که در اثر خود در تأیید ارتباط خاندان صفوی و به‌ویژه شاه اسماعیل با عوالم غیب ذکر کرده است، چندان نمی‌تواند مورد استناد قرار گیرد. اما با در نظر گرفتن شرایط آن روزگار و گرایش اکثریت مردم به خاندان صفوی، این گونه پیشگویی‌ها مقبولیت فراوانی در بین عوام و حتی بسیاری از خواص داشته است.

همچنین گفته می‌شود بعدها و در آستانه آغاز حرکت شاه اسماعیل، صوفی مشهوری به نام محمد بن یحیی کواکبی (م ۸۹۷ق) در شهر حلب، یعنی همان شهری که مدتی اقامتگاه جنید، جد شاه اسماعیل بوده است، می‌زیست و به مردم می‌گفت: «به زودی یک تن از پیروان طریقه ما، علیه پیروان طریقه سنت و جماعت قیام می‌کند» (شیبی، ۱۳۵۹، ص ۲۸۵).

پیش‌بینی‌هایی نیز در رابطه با اتصال حکومتی که فرزندان شیخ صفی‌الدین بنا خواهند نهاد به حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مطرح می‌شد. این نوع پیشگویی‌ها و تفاسیر، سهم بسزایی در گسترش انگاره اتصال حکومت صفوی به حکومت مهدوی ایفا می‌کرد. یکی از این پیش‌بینی‌های معروف که به زمان فوت شیخ زاهد گیلانی مربوط می‌شود، در بردارنده پیامی تبشیری برای منتظران مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف و دوست‌داران خاندان صفوی است. ظاهراً زمانی که شیخ زاهد در بستر مرگ بوده، وصیت کرده است که شیخ صفی‌الدین جانشین او شود، اما مریدانش در اعتراض به این تصمیم او گفته‌اند که بهتر است همانند دیگر بزرگان، فرزند خودش را جانشین کند. ولی شیخ زاهد در جواب با اشاره به جایگاه والای شیخ

صفی‌الدین، بر این نکته تأکید کرده است که فرزندان او جهانگیری می‌کنند و حکومتشان تا ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه پایدار خواهد ماند (مؤلف ناشناخته، بی‌تا، ص ۳۸۹).

علاوه بر این، خواب‌هایی نیز با محتوای پیشگویانه نقل شده که از جمله مشهورترین آنها خوابی است که شیخ حیدر، پدر شاه اسماعیل درباره تولد نوزادی دیده است که تشیع را ترویج خواهد نمود. همچنین در این خواب، به لزوم تهیه تاج معروف قزلباشان اشاره شده است:

«شبی در خواب، از برابر سلطان حیدر، نور پاک شهریار عالم و وصی رسول و ابن عم سید ابرار حیدر گزار نمودار گردید و آن حضرت فرمود که ای فرزند! وقت آن شد که از صلب تو فرزند ما خروج کند و کاف کفر را از روی عالم براندازد. اما می‌باید از برای صوفیان و مریدان خود تاجی سازی از سقرلاط سرخ. و آن حضرت مقرض در دست داشت و برید تاج را و دوازده ترک قرار داد. چون بیدار گشت، آن روش را در خاطر داشت. برید تاجی و مقرر کرد که هر کدام از صوفیان یک تاج ساخته بر سر بگذارند و تاج حیدری نام نهادند» (مؤلف ناشناخته، ۱۳۶۳، ص ۳۰). می‌دانیم که سلطان حیدر بود که دستور داد همه پیروانش کلاه سرخ دوازده ترکی بر سر نهند و به همین علت، پیروان او به قزلباش‌ها معروف شدند (سرور، ۱۳۷۴، ص ۳۳).

ترجمه جاماسب‌نامه نیز ترجمه رساله و وصیتی است از ابن فهد حلی (م ۸۴۱ق) که آن را برای محمد بن فلاح، بنیانگذار مشعشعیان نگاشته و در آن، ظهور شاه اسماعیل اول را پیش‌بینی کرده است. میرزا عبدالله افندی، شرح این روایت و وصیت را در کتاب ترجمه جاماسب‌نامه به فارسی آورده است^۱ (جعفریان، ۱۳۷۸، ص ۱۲).

در پیشگویی دیگری که به زعم نویسنده کتاب، رؤیایی صادق بوده، گفته شده است شیخ صفی‌الدین در عالم رؤیا مشاهده کرد که «بر قبه مسجد جامع اردبیل نشسته، ناگاه آفتابی طلوع نمود که از شعشعه انوارش اقطار و اکناف عالم منور گردید و چون امعان نظر نمود، آن آفتاب، آفتاب جمال آفتاب مثالش بود که از مطلع اقبال طلوع نموده» و بعد از چند شب، باز در عالم رؤیا دید که «بر کوه بلندی نشسته، شمشیری طویل و عریض بر میان دارد و تاجی از پوست سمور بر سر و هم در خواب با خود می‌گوید که: پسر شیخ امین‌الدین جبرئیل را با شمشیر و تاج چه مناسبت است...» (میرزاییگ جناب‌دی، ۱۳۷۸، ص ۷۱).

۱. نسخه‌ای از این کتاب، به شماره ۱۷۰ در کتابخانه مجلس موجود است (جعفریان، ۱۳۷۸، ص ۱۲).

حتی گفته می‌شود برخی از نعمت‌اللهیان نیز سعی می‌کردند تا بعضی از اشعار دیوان شاه نعمت‌الله ولی را برای پیش‌بینی حکومت شاه اسماعیل تعبیر کنند (گروهی از نویسندگان، ۱۳۸۳، ص ۲۳۶).

۳. مشروعیت بخشی بر اساس پیشگویی‌های شخص شاه اسماعیل

شرایط فرهنگی، اجتماعی و حتی سیاسی جامعه، فرصت مناسبی در اختیار شاه اسماعیل قرار داده بود تا با اتکا به باورپذیر بودن مدعاهای ماورایی خود، روایت‌هایی جذاب از رؤیاهای مشاهدات خود برای مردم بازگو کند. فارغ از صحت یا عدم صحت این مدعاها، در بخش‌هایی از رؤیاهای نوعی پیشگویی دیده می‌شود که حائز اهمیت هستند. با اتکا بر این رؤیاهای تبشیری بود که نه تنها پشتوانه‌ای برای حقانیت و مشروعیت حکومت صفویان مهیا می‌شد، بلکه جنبه روحانی و معنوی پادشاهان صفوی نیز در نگاه مردم جلوه خاصی پیدا می‌کرد. در این حال، آنها به عنوان انسان‌هایی معرفی می‌شدند که به طور مستمر، با اهل بیت علیهم‌السلام در ارتباط بودند و دستورهایی برای اداره امور دریافت می‌کنند. لازم به ذکر است که بیشترین رؤیاهای ذکر شده برای پادشاهان صفوی، مربوط به دوره شاه اسماعیل اول می‌شود.^۱

در این نوع رؤیاهای پیشگویانه، شاه اسماعیل در عالم خواب و یا حتی نیمه‌بیداری، رهنمودهای از ائمه علیهم‌السلام دریافت می‌کند و پس از بیداری، آنها را عیناً اجرا می‌نماید. کثرت این نوع رؤیاهای گویای اهمیت آنها در اعتباردهی به اصل وجودی حکومت صفوی است. یکی از معروف‌ترین رؤیاهای منابع صفوی به آن اشاره کرده‌اند، از شواهد مشروعیت‌آفرین درباره رسمی‌سازی تشیع به وسیله شاه اسماعیل محسوب می‌شود.

ماجرای دریافت فرمان از امیرالمؤمنین علیه‌السلام در مورد چگونگی اعلام رسمیت یافتن مذهب تشیع در مسجد جامع تبریز با توجه به حساسیت آن زمان و خطرات این اقدام، بسیار حائز

۱. در منابع، برای شاه اسماعیل، از ابتدای به قدرت رسیدن، یعنی اعلام رسمیت آیین تشیع تا زمان مرگ، در موارد مختلف، رؤیاهایی ذکر شده است. این تنوع در موضوعات خواب‌های شاه اسماعیل، از یک طرف جنبه‌هایی از جایگاه معنوی وی را نشان می‌دهد؛ چراکه برای هر موضوعی سعی شده رؤیایی مطرح شود تا نشان دهد شاه از جایگاه معنوی خاصی برخوردار است و این برای پادشاه جوانی که با مشقات بسیار تخت سلطنت را قبضه کرده بود می‌توانست مقبولیت و مشروعیت به همراه آورد. همچنین می‌توان این موضوع را تا حدی به نزدیکی وی به راه و رسم تصوف و رهبری طریقت مرتبط دانست که غالباً خواب و رؤیا و واقعه، در تصوف از جایگاه خاصی برخوردار است (احمدی، ۱۳۸۸، ص ۶۳).

اهمیت بوده است. در زمان اعلام رسمیت مذهب تشیع در مسجد جامع تبریز، در عالم رؤیا بشارتی از طرف امیرالمؤمنین علیه السلام برای شاه اسماعیل رسید که پیش بینی می‌کند روند کار رسمی سازی تشیع، با موفقیت پیش خواهد رفت. این رؤیا درباره فرمایش حضرت علی علیه السلام، در شرایطی بود که نگرانی‌ها از اعلام این خبر، در اوج خود قرار داشت و مشاوران اسماعیل و قزلباشان، از هر سو هشدارهایی جدی در مورد خواندن خطبه اثناعشری به او می‌دادند. مبنای تصمیم‌گیری شاه اسماعیل برای عملی سازی اراده خود، چنین شرح داده شده است: «اما شاه در فکر بود که می‌دانست که قزلباش راست می‌گویند. چون به خواب رفت، دید که از برابرش نور پاک حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام نمودار گردید و گفت: ای فرزند! دغدغه به خاطر مرساں. روز جمعه می‌فرمایی که قزلباش تمام یراق پوش می‌آیند و در میان دو کس از رعیت قرار می‌گیرند و در وقت خطبه، اگر رعیت حرکت کنند، ایشان را قزلباش گرفته، می‌کشند و به این تدبیر بفرما خطبه بخوانند. آن سرور از خواب بیدار شد، خوشحال گردیده...» (مؤلف ناشناخته، ۱۳۶۳، ص ۶۴).

علاوه بر این، خواب‌های دیگری نیز با موضوعات مشابه در منابع صفوی دیده می‌شود که بر ارتباط سلاطین صفوی با معصومان علیهم السلام و کمک‌های ایشان به حکومت شاه اسماعیل در مقاطع مختلف اشاره می‌کنند.^۱

ماجرای گفتگوی کارکیا میرزا علی و اسماعیل نیز که پس از شش سال اقامت تصمیم به خروج از گیلان داشت، دلالت بر پیشگویی خود شاه اسماعیل برای آغاز حرکت انقلابی و تشکیل حکومت به فرمانی غیبی از جانب خداوند متعال دارد:

«کارکیا میرزا علی بن کارکیا سلطان محمد، از سادات حسینی پادشاه آنجا بود و کمال خدمتکاری و مهمانداری به تقدیم رسانید. چون بر خیال نهضت آن اعلی حضرت اطلاع حاصل کرد، یک مرتبه الحاح کرد که هنوز اول طلوع هلال این دولت ابدپیوند است. چندان توقف فرمای تا این ماه به چهارده رسد. چه سن آن اعلی حضرت، شروع در سیزده کرد، آن دین پناه جواب فرمود که از عالم بالا مأمورم و در این نهضت معذورم» (عبدی بیگ شیرازی، ۱۳۶۹، ص ۳۶).

۱. از جمله آنها می‌توان به این موارد اشاره کرد: (روملو، ۱۳۵۷، ص ۶۱-۶۲ و ۶۸؛ امینی هروی، ۱۳۸۳، ص ۲۸۷ و مؤلف ناشناخته، ۱۳۶۳، ص ۵۵، ۸۰-۸۱ و ۲۹۲-۲۹۳).

این پاسخ آشکاری است که اسماعیل در دوران نوجوانی که خرد و دورانیشی در آن کمتر راه دارد و احساس، آن هم در شرایط خاص او بر آن چیره است، خود را صاحب رسالت برای ترویج مذهب شیعه می‌داند و معتقد است که خداوند و امامان شیعه، در این راه پشتیبان و حتی همراه او هستند (پارسادوست، ۱۳۸۳، ص ۳۴۳).

تصریح شاه اسماعیل بر مأموریت خود از جانب خداوند متعال و اهل بیت علیهم‌السلام برای ترویج تشیع و تشکیل حکومت شیعی، شرایط را برای خوانندگان و شنوندگان این ادعا، بسیار جذاب و رازآلود جلوه می‌دهد. شاه اسماعیل که در دوران آغازین تشکیل حکومت صفوی به عنوان مرشد کامل و شخصی که نافرمانی از او به خصوص برای صوفیان و قزلباش‌ها امری محال بوده، چنین ادعایی کرده است و مسلماً حمایت هواداران پرشور و پرتعداد او از این نوع اظهارات سرورشان، نقش زیادی در مشروعیت حکومت استقرار یافته به دست شاه اسماعیل داشته است.

این تفکر حاکم بر عصر شاه اسماعیل، در این بیت «هاتفی خرجردی» که در زمان حکومت شاه اسماعیل می‌زیست، به زیبایی خلاصه شده است:

جهان را نه آسان به لشکر گرفت / به امداد آل پیمبر گرفت

(هاتفی خرجردی، ۱۳۸۷، ص ۴۱).

۴. مشروعیت‌آفرینی بر اساس پیشگویی دشمنان شاه اسماعیل

در کنار شاه اسماعیل، مخالفان او نیز خواسته یا ناخواسته، پیشگویی‌هایی ذکر کرده‌اند. از جمله اینکه میرزا جهان‌شاه قراقویونلو با احساس خطر از ناحیه اخلاف شیخ صفی‌الدین، از تشکیل این حکومت و امتداد آن تا قیام امام زمان عجل‌الله‌فرجه سخن به میان آورده است. میرزا جهان‌شاه اخباری از رفت و آمد عده فراوان نزد جنید شنیده و به منجمان گفته است:

«می‌شنوم که مردم بسیار تردد می‌کنند به در خانه سلطان جنید و می‌ترسم که مبادا از این دودمان یکی خروج کند و دولت از سلسله ما منتقل شود به دودمان حضرت شیخ صفی. ببینید که از این سلسله، به سلسله من نقصان خواهد رسید تا در پی دفع این جماعت درآیم. منجمان گفتند: نزدیک شده است که به اندک روزگار، تمام ولایت ایران و دیار ملک روم و مملکت هندوستان و ولایت ترکستان را مسخر خواهند گردانید و صاحب خروج خواهد شد

و مذهب را تغییر خواهد داد و دولت ایشان زوالی نیابد مگر هنگام خروج صاحب الامر که در رکاب آن (حضرت) شمشیر خواهند زد و پادشاهی را به ملازمان آن حضرت سپرده و خود حلقه بندگی آن سرور را در گوش خواهند کشید» (مؤلف ناشناخته، ۱۳۶۳، ص ۲۶).

شایعه برپایی دولت موعود آخرالزمان به دست جنید، جهانشاه قراقویونلو را که در آن زمان بر آذربایجان حکم می‌راند، نگران کرد و او را واداشت جنید را از اردبیل براند. جنید نیز به اردوی آق قویونلوها پیوست (الویری، ۱۳۹۱، ص ۲۷۸). نقل چنین گزارش‌هایی در صورت صحت اصل وجود چنین گزارشی موجب تقویت این باور می‌شد که اولاً صفویان دولت مشروعی خواهند بود که بر مردم حکومت می‌کنند و ثانیاً این دولت برحق، زمینه‌ساز ظهور حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه بوده و حکومت را به ایشان تحویل خواهند داد.

برخی پیشگویی می‌کردند که عطش شاه اسماعیل برای ترویج تشیع، ناشی از احساسات انقلابی و شور جوانی و یا هر عامل فردی و درونی دیگری است که به زودی فرو خواهد نشست. یکی از این افراد، سیف‌الدین احمد تفتازانی، شیخ الاسلام هرات بود که زمانی که فرستاده شاه اسماعیل در این شهر، حکم شاه را قرائت نمود و در خلال آن، سب و لعن مخالفان حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام را کرد، به یکی از اعظم علمای فن نجوم که پهلوی او نشسته بود گفت:

«این عجب آتشی است که شعله کشیده! اما زود فرو خواهد نشست. آن منجم که از احوال زایچه طالع حضرت شاهی اطلاع داشت و می‌دانست که دودمان عظیم ایشان، سال‌های متمادی مرکز قرار سلطنت و جهانبانی و محط رحال کشورگشایی و جهانستانی خواهد بود و امتداد ایام دولت و عظمت اولاد امجاد آن حضرت، مقرون به دوام و خلود بوده، از آفت انقطاع و انصرام محروس خواهد بود، گفت: راست است. آتشی شعله کشیده، اما زود فرو نخواهد نشست» (سبزواری، ۱۳۷۷، ص ۷۴۱). حق با منجم بود و این آتش، زود فرو نشست و حتی دامن خود سیف‌الدین احمد تفتازانی را نیز گرفت و او را به کام مرگ فرستاد.

۵. مشروعیت‌سازی بر پایه دیدگاه‌های پیشگویانه تاریخ‌نگاران عصر صفوی

عده‌ای از تاریخ‌نگاران عصر صفوی با اشاره به ناکامی‌های حاکمان پیشین که قصد داشتند مذهب تشیع را اشاعه دهند، با مسرت، از موفقیت صفویان در این امر یاد کرده و این

توفیقات را به نوعی مؤید پیشگویی های وارد شده در مورد پادشاهان این سلسله دانسته اند. برخی از این مورخان، به وجود دستی نامرئی برای به قدرت رساندن صفویان تأکید کرده و به طور مداوم، از تقدیر الهی برای این امر سخن به میان آورده اند. ظاهراً در این آثار، ذکر پیشگویی ها می تواند دلیل و حجتی برای ادعای تاریخ نگاران باشد. از جمله این نوع اظهارات در تاریخ نگاری صفوی می توان به اظهار نظر بوداق منشی قزوینی اشاره کرد که با این تخصیص، از اقدام شاه اسماعیل یاد می کند:

«فی الواقع عقلا از روی انصاف فکر نمایند که هیچ بنی آدمی را این دولت و این سعادت میسر نشده بود. از جمله سلاطین سلف مثل عمر بن عبدالعزیز، معتضد خلیفه، آل بویه و سلطان محمد خدا بنده این اراده کردند و از پیش نرفت و همین قدر می نوشتند که لعن الله الظالمین لآل محمد من الاولین و الاخرین» (بوداق منشی قزوینی، ۱۳۷۸، ص ۱۱۹).

همچنین قاضی احمد غفاری پس از اشاره به تاریخچه ناکامی های خلفا و پادشاهان متمایل به شیعه از جمله معتضد عباسی، معزالدوله بویه، سلطان محمد خدا بنده و «سلطان حسین میرزا باقرا در اعتلای تشیع، در مورد اقدامات مذهبی مؤسس سلسله صفوی می نویسد: «تا آنکه حضرت شاه غفران پناه به محض تأیید الهی و توفیقات نامتناهی با وجود صغر سن بر دو امر غریب و دو مدعای عجیب که یکی از آن دیگری اغریست موفق گشتند اول مهم سلطنت صوری که از عهد حضرت امیرالمؤمنین هیچ کس از حضرات علویه در ایران بدان فائز نشده بودند. دیگر در بدو دولت، مذهب حقی را که درین نهصد سال در پس پرده حجاب مانده بود، به احسن وجهی تقویت و تمشیت نموده، احدی را حد و یارای آن نبوده که در مقام ممانعت آید» (غفاری قزوینی، ۱۳۴۳، ص ۲۶۷).

با مضمونی مشابه عبارات فوق، اظهارات خورشاه بن قباد الحسینی در مورد شاه اسماعیل و نقش مهم او در اعتلای تشیع، در کتاب تاریخ ایلچی نظام شاه منعکس شده است: «از ابتدای اسلام تا زمان ظهور حضرت شاه دین پناه، هیچ حاکم و پادشاهی، اعلام رواج دین مبین و رایات مذهب حق ائمه معصومین علیهم السلام را این چنین برنیفراشته و همت بر بطلان مذاهب مخالف بدین طریق نگماشته. می توان گفت که آن حضرت در این امر خطیر ید بیضا به ظهور آورده» (خورشاه بن قباد الحسینی، ۱۳۷۹، ص ۸۲).

خواندمیر هم معتقد است «بر طبق حدیث صحیح (ان الله یبعث علی رأس کل مائه سنه من یجدد لها دینها) اساس دین نبوی، از مساعی معمار دولت پایدار پادشاه صفوی، صفت متانت و استحکام گیرد و ریاض شرع مبین مصطفوی، بتازگی از رشحات سبحاب همت عالی آثار وارث خلافت مرتضوی، سمت حضرت و نصارت پذیرد» (خواندمیر، ۱۳۸۰، ج ۴، ص ۴۶۷).

مؤلف کتاب روضه الصفویه نیز با اشاره به این حدیث، در مورد استقرار مذهب تشیع پس از قریب نه قرن در پس پرده بودن و طلوع سلسله صفویه می نویسد: «مذهب حقی را که از اقتدار مبتدعان رسوم بدعت و ضلال و سالکان طریق عناد و جهالت، قریب نهصد سال در پرده خفا مستور مانده، رهروان طریق مرتضی و رافعان اعلائی لوای ائمه اثنی عشر در مدت مذکور خفته به اظهار آن مبادرت نتوانستند نمود، از پرده خفا به مساحت ظهور جلوه گر سازد و فضای کون به فضای بهشت رساند. لهذا از سپهر بارفعت سلسله رفیع منزلت صفویه آفتابی طلوع نمود» (میرزا بیگ جنابدی، ۱۳۷۸، ص ۱۵۲).

همچنین اراده خداوند نیز موافق با به قدرت رسیدن شاه اسماعیل دانسته شده است و با عباراتی نظیر «چون استعدادات فایضه دینیّه و دنیویّه، مخصوص موهبت الهی است و نیز ارادت حق بدان پرتو انداخته که آثار سلطنت شاهی بر عالم منتشر گردد، نسیم لطف سبحانی از مهب عنایت وزید و بر صبح سعادت شاهی دمید. نواب عالی (شاه اسماعیل) که تشمیم این رایحه نمودند و استقبال سعادت دریافتند...» (لاهیجی، ۱۳۸۹، ص ۱۱۸) بر این نظر تأکید کرده اند.

در نهایت، حسینی گنابادی نظر خود را درباره مأموریت از پیش تعیین شده شاه اسماعیل با این عبارات اظهار می کند: «شاه اسماعیل، خود را در اشاعه شیعه، مأموری می دانست که از جانب خدای عالم و حضرات ائمه معصومین علیهم السلام موظف به اجرای فرمان بود» (حسینی گنابادی، ۱۳۸۷، ص ۶۶). با پذیرش این ادعای شاه اسماعیل از طرف عامه مردم، دیگر ابهامی برای حقانیت و مشروعیت حکومتی که او بنا نهاد، باقی نمی ماند.

نتیجه‌گیری

پیشگویی‌هایی با محوریت سخنان و روایات منسوب به اهل بیت علیهم‌السلام، بزرگان اهل تصوف و سایر فرق مذهبی، خود شاه‌اسماعیل صفوی، دشمنان او و مورخان عهد صفوی در منابع مختلف صفویه و پیشاصفویه دیده می‌شوند که درباره ظهور فردی از میان خاندان شیخ صفی‌الدین اردبیلی و توسعه مذهب تشیع، بشارت‌هایی می‌دهند. شاید درباره هیچ پادشاهی، تا این حد نوید ظهور داده نشده است.

این پژوهش که هدف آن، علاوه بر شناسایی این گزارش‌های بعضاً عجیب، بازنمایی نقش این نوع اخبار در مشروعیت‌آفرینی برای حکومت شاه‌اسماعیل و در کل، حکومت صفوی بود، تا حد زیادی توانست به اهداف خُرد و کلان خود دست یابد.

البته اعتبار و صحت این اخبار پیشگویانه، چه روایاتی که از ائمه معصومان علیهم‌السلام و چه سخنانی که از سایرین نقل شده، محل تردید جدی است. با این حال، در این پژوهش با اذعان به مشکوک بودن این دایره گزارش‌های تاریخی، آثاری که ذکر این اخبار در دوره صفویه بر مشروعیت‌بخشی به حکومت نوپای صفویه برجای گذاشته است مورد بررسی قرار گرفته‌اند. لازم به ذکر است که بخش قابل توجهی از مردم و حتی نخبگان جامعه صفوی، به این اخبار تبشیری باور داشتند.

این پژوهش، در پی راستی‌آزمایی پیشگویی‌ها نبود. بنابراین به دنبال پیامدهای پیشگویی‌ها رفت و درصدد اثبات آثار نشر این نوع اخبار پیشگویانه برآمد. حاصل کار این شد که با اتکا به شواهد جمع‌آوری شده، بشارت‌های ظهور شاه‌اسماعیل که با تقدیس و ترسیم هاله‌ای از معنویت بر گرد او همراه بود، در آن دوره می‌توانست نقش نسبتاً قابل توجهی در مشروعیت و مقبولیت‌بخشیدن به حکومت تازه‌تأسیس صفویه از سوی یک نوجوان سیزده ساله با چهره کاریزماتیک و اعتقادی راسخ به تشیع داشته باشد.

در برخی از این پیشگویی‌ها، عموماً سخن از ظهور فردی از صلب شیخ صفی‌الدین است که مذهب تشیع را گسترش خواهد داد. برخی دیگر نیز به از پیش معین بودن این حرکت و اینکه شاه‌اسماعیل، مأموری از سوی خداوند جهانیان و یا اهل بیت علیهم‌السلام برای انجام

آن است اشاره دارند. برآیند این نوع اظهارات، معرفی فردی مرتبط با عوالم غیب برای این امر خطیر و مهم یعنی گسترش مذهب تشیع است که از مدت‌ها پیش خبر ظهور او منتشر شده است.

نگاه تردیدآمیز به منشاء این گزارش‌ها، مانع از اظهار این حقیقت نمی‌شود که پیشگویی‌ها از ظهور پادشاهی مرتبط با عوالم غیبی، اثر روانی مؤثری بر اذهان ایرانیان عصر صفوی داشته است. باید به این نکته نیز توجه داشت که شیعیان در ایران، قرن‌ها تحت سلطه حکومت‌های سنی مذهب زیسته بودند و در آن دوره، با شنیدن اخبار رستاخیزی، به آینده مذهبی ایران و حکومتی که پادشاه آن تلاش زیادی برای استقرار تشیع انجام خواهد داد، امیدوار شدند. ذکر پیشگویی‌ها درباره این پادشاه، ضمن تقدیس او، موجب دلگرمی عمومی نیز گردید.

هم‌اکنون و پس از گذشت چند قرن از زمان تأسیس سلسله صفویه، پذیرش اینکه اهل بیت علیهم‌السلام فرمانی مبنی بر تشکیل یک حکومت شیعی برای فردی از خاندان صفوی صادر کرده باشند، برای ما عجیب می‌نماید، اما باید دانست که این موضوع، در منابع صفوی مطرح شده و باورمندان زیادی نیز داشته است.

با درگذشت شاه اسماعیل اول، اثر پیشگویی‌ها در مشروعیت مذهبی صفویان، وارد مرحله‌ای جدید شد که مهم‌ترین شاخصه آن، اتصال حکومت صفویان به قیام حضرت مهدی عجل‌الله‌فرجه و تقدیم حکومت به ایشان از سوی پادشاهان صفوی بوده است.

ظاهراً در دوره صفویه، هیچ تشکیکی بر این پیشگویی‌ها وارد نشد و موضوع آن، در دوران حکومت شاه اسماعیل، به باور عمومی تبدیل گردید. در این شرایط بود که جامه‌ای از تقدس بر پیکر صفویان پوشانده شد و تصویری از فناپذیری حکومت صفوی و اتصال آن به حکومت امام زمان عجل‌الله‌فرجه ارائه گردید که تا سال‌ها پس از سقوط این حکومت، دل‌های بسیاری از مردم هنوز با آنها مانوس بودند و آنها را حکومت برحق می‌دانستند که قربانی حوادث روزگار شد.

فهرست منابع

۱. احمدی، نزهت (۱۳۸۸ ش)، رؤیا و سیاست در عصر صفوی، تهران: نشر تاریخ ایران.
۲. الویری، محسن (۱۳۹۱ ش)، زندگی فرهنگی و اندیشه سیاسی شیعیان از سقوط بغداد تا ظهور صفویه، تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۳. امینی هروی، امیر صدرالدین ابراهیم (۱۳۸۳ ش)، فتوحات شاهی، تصحیح: محمدرضا نصیری، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
۴. بوداق منشی قزوینی (۱۳۷۸ ش)، جواهر الاخبار، تصحیح: محسن بهرام نژاد، تهران: نشر میراث مکتوب.
۵. پارسادوست، منوچهر (۱۳۸۳ ش)، «نقش تاریخی شاه اسماعیل اول»، در مجموعه مقالات همایش ایران زمین در گستره تاریخ صفویه، تبریز: انتشارات ستوده.
۶. جعفریان، رسول (۱۳۷۸ ش)، گزارشی از کتاب تحفه فیروزیه شجاعیه به جهت سده سنیه سلطان حسینیه از میرزا عبدالله اصفهانی افندی، اصفهان: بی نا.
۷. جعفریان، رسول (۱۳۹۱ ش)، مهدیان دروغین، تهران: انتشارات علم.
۸. خواندمیر، امیر محمود (۱۳۸۰ ش)، تاریخ حبیب السیر، تصحیح زیر نظر: محمد دبیر سیاقی، تهران: انتشارات خیام
۹. خورشاه بن قباد الحسینی (۱۳۷۹ ش)، تاریخ ایلچی نظام شاه، تصحیح و توضیح: محمدرضا نصیری و کوئچی هانه دا، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
۱۰. روملو، حسن بیگ (۱۳۵۷ ش)، احسن التواریخ، تصحیح: عبدالحسین نوایی، تهران: انتشارات بابک.
۱۱. سبزواری، ملامحمدباقر (۱۳۷۷ ش) روضه الانوار عباسی، تصحیح: اسماعیل چنگیزی اردهایی، تهران: نشر آینه میراث.
۱۲. سرور، غلام (۱۳۷۴ ش)، تاریخ شاه اسماعیل صفوی، ترجمه: محمدباقر آرام و غلام سرور، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۱۳. شیبی، کامل مصطفی (۱۳۵۹ ش)، تشیع و تصوف تا آغاز سده دوازدهم هجری، ترجمه: علیرضا ذکاوتی قراگوزلو، تهران: انتشارات امیر کبیر.
۱۴. عبدی بیگ شیرازی، خواجه زین العابدین علی (۱۳۶۹ ش)، تکمله الاخبار، تصحیح: عبدالحسین نوایی، تهران: نشر نی.
۱۵. غفاری قزوینی، قاضی احمد (۱۳۴۳ ش)، تاریخ جهان آرا، تهران: نشر کتاب فروشی حافظ.
۱۶. قاضی احمد قمی، احمد بن شرف الدین الحسین الحسینی (۱۳۵۹ ش)، خلاصه التواریخ، تهران: دانشگاه تهران.
۱۷. گروهی از نویسندگان (۱۳۸۳ ش)، مجموعه مقالات شاه نعمت الله ولی، گردآوری و تدوین: شهرام پاروکی، تهران: انتشارات حقیقت.
۱۸. لاهیجی، علی بن شمس الدین (۱۳۸۹ ش)، تاریخ خانی، تصحیح: افشین پرتو، رشت: نشر فرهنگ ایلیا.

۱۹. مؤلف ناشناخته (۱۳۶۳ ش)، عالم‌آرای صفوی، به کوشش: بدالله شکری، تهران: انتشارات اطلاعات.
۲۰. _____ (بی‌تا)، جهانگشای خاقان، اسلام‌آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.
۲۱. میرزا بیگ جنابدی، حسن بن حسینی (۱۳۷۸ ش)، روضه الصفویه، به کوشش: غلامرضا طباطبایی مجد، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۲۲. ناجی، محمد یوسف (۱۳۸۷ ش)، رساله در پادشاهی صفویه، به کوشش: رسول جعفریان و فرشته کوشکی، تهران: نشر مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
۲۳. هاتفی خرجردی، مولانا عبدالله (۱۳۸۷ ش)، شاهنامه هاتفی خرجردی، تصحیح: سیدعلی آل داود، تهران: نشر فرهنگستان زبان و ادب فارسی.





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی